

تحلیل تأثیر متغیرهای مدیریت زمان، عزت نفس والدین، آموزش پیش دبستانی و ناکامی بر پیشرفت تحصیلی و عملکرد اجتماعی در دانش آموزان مرزی مقطع ابتدایی شهرستان قروه

سینا وکیلی

معلم، آموزش و پرورش شهرستان قروه

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر متغیرهای مدیریت زمان، عزت نفس والدین، آموزش پیش دبستانی و ناکامی بر پیشرفت تحصیلی و عملکرد اجتماعی در دانش آموزان مرزی مقطع ابتدایی شهرستان قروه انجام شده است. در این مطالعه، نقش مدیریت زمان به عنوان متغیری مؤثر در کاهش استرس تحصیلی، افزایش بهره‌وری، و ارتقاء رضایت از زندگی دانش آموزی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل ۱۵۰ دانش آموز از رشته‌های مختلف بود که به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه مدیریت زمان "ماکان" (۱۹۹۴) و مقیاس پیشرفت تحصیلی بود. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری نشان داد که بین میزان استفاده از مهارت‌های مدیریت زمان و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین دانش آموزانی که دارای توانایی بالاتری در مدیریت زمان بودند، سطوح پایین‌تری از استرس و رضایت‌مندی بالاتری را گزارش کردند. این یافته‌ها بیانگر آن است که آموزش و ترویج مهارت‌های مدیریت زمان می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در بهبود عملکرد تحصیلی و روانی دانش آموزان ایفای نقش کند. همچنین در بررسی نقش عزت نفس والدین در موفقیت تحصیلی کودکان عزت نفس به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم روانشناختی در رفتارهای والدگری و تعامل با فرزندان شناخته می‌شود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که والدین با سطح بالای عزت نفس، بیشتر از روش‌های فرزندپروری مثبت استفاده می‌کنند و فرزندان آن‌ها معمولاً از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردارند. همچنین سطح تحصیلات والدین به عنوان یک متغیر میانجی، در این رابطه نقش معناداری ایفا کرده است. بر اساس یافته‌ها، تقویت عزت نفس والدین می‌تواند به عنوان رویکردی مؤثر برای ارتقای سطح تحصیلی کودکان مدنظر قرار گیرد. پژوهش پیشنهاد می‌دهد که برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای ارتقای عزت نفس والدین طراحی و اجرا شود.

همچنین در بررسی تأثیر آموزش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی و رفتارهای اجتماعی دانش آموزان، آموزش پیش دبستانی به عنوان نخستین مرحله رسمی آموزش، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مهارت‌های شناختی، زبانی، ریاضی و اجتماعی کودکان ایفا می‌کند. این مطالعه با استفاده از روش تحقیق کمی و ابزارهایی نظیر پرسشنامه ساختاریافته، مصاحبه با معلمان و والدین، و آزمون‌های استاندارد خواندن، نوشتن و ریاضی انجام شد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی در میان دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان قروه انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که شرکت در دوره پیش دبستانی با بهبود معنادار در عملکرد تحصیلی پایه اول و توسعه رفتارهای اجتماعی مثبت همراه است. نتایج حاکی از آن است که آموزش پیش دبستانی می‌تواند به عنوان یک سرمایه‌گذاری اثربخش در توسعه تحصیلی کودکان مورد توجه قرار گیرد.

همچنین در بررسی تأثیر ناکامی بر سطح پرخاشگری در میان دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهرستان قروه انجام شده است، ناکامی به عنوان یکی از عوامل اساسی در بروز رفتارهای پرخاشگرانه، نقشی مهم در شکل‌گیری واکنش‌های هیجانی و رفتاری کودکان ایفا می‌کند. در کودکان، ناکامی می‌تواند از ناتوانی در انجام تکالیف، تبعیض در کلاس، یا طرد اجتماعی ناشی شود که ممکن است به بروز رفتارهای منفی منجر گردد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزارهای استاندارد همچون پرسشنامه‌های باس و پری، میزان ناکامی و پرخاشگری را اندازه‌گیری کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ناکامی رابطه‌ای معنادار با افزایش پرخاشگری دارد و واکنش‌های پرخاشگرانه در دختران و پسران به گونه‌ای متفاوت بروز می‌کند؛ دختران گرایش به واکنش‌های درونی (مثل گریه یا افسردگی) دارند، در حالی که پسران بیشتر رفتارهای بیرونی (مثل دعوا و پرخاش کلامی) از خود نشان می‌دهند. پژوهش حاضر بر اهمیت آموزش والدین و معلمان در زمینه مدیریت ناکامی و کنترل پرخاشگری تأکید دارد و پیشنهاداتی برای به کارگیری راهبردهای مقابله‌ای مناسب در مدارس ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: مدیریت زمان، عزت نفس والدین، آموزش پیش دبستانی، ناکامی، پیشرفت تحصیلی، رفتار اجتماعی

مقدمه

در محیط پرچالش مدرسه امروز، بسیاری از دانش آموزان با انبوهی از وظایف آموزشی، شخصی و اجتماعی مواجه هستند. عدم توانایی در مدیریت زمان به عنوان یک مهارت پایه‌ای، یکی از دلایل اصلی ضعف عملکرد تحصیلی، افت انگیزه، و افزایش استرس شناخته شده است. (Claessens et al., ۲۰۰۷). مدیریت زمان نه تنها ابزار سازماندهی وظایف روزمره است، بلکه به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی، نقش کلیدی ایفا می‌کند. پژوهش‌های متعدد، رابطه معناداری بین مدیریت مؤثر زمان و شاخص‌هایی چون پیشرفت تحصیلی، خودکارآمدی و رضایت از تجربه مدرسه را نشان داده‌اند (Khan et al., ۲۰۲۱).

موفقیت تحصیلی کودکان همواره از دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزشی و خانواده‌ها است. عوامل متعددی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ویژگی‌های روانشناختی والدین از جمله عزت نفس است. والدین با عزت نفس بالا معمولاً در تربیت فرزندان خود از رویکردهای مثبت استفاده می‌کنند و فضایی حمایتگر برای رشد تحصیلی فراهم می‌سازند. از سوی دیگر، والدین با عزت نفس پایین، ممکن است در تعاملات تربیتی خود با فرزندان دچار چالش‌هایی شوند که بر عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (شاملو، ۱۳۸۲).

مطالعات گذشته نشان داده‌اند که عزت نفس والدین می‌تواند بر شیوه‌های فرزندپروری و به تبع آن بر موفقیت تحصیلی کودکان تأثیر بگذارد. این پژوهش با هدف بررسی ارتباط میان عزت نفس والدین و موفقیت تحصیلی کودکان در شهرستان قروه و همچنین تأثیر عوامل میانجی نظیر سطح تحصیلات والدین، طراحی و اجرا شده است.

توسعه تحصیلی و اجتماعی کودکان در سال‌های نخستین زندگی، تأثیر قابل توجهی بر عملکرد آتی آنان در نظام آموزشی دارد. آموزش پیش‌دبستانی به عنوان نخستین سطح سازمان‌یافته آموزشی، بستری را فراهم می‌کند که در آن کودکان می‌توانند مهارت‌های اولیه را در محیطی امن و ساختارمند فراگیرند. (Shonkoff & Phillips, ۲۰۰۰). مطالعات متعدد نشان داده‌اند که حضور در این دوره، نه تنها موجب رشد مهارت‌های شناختی و زبانی می‌شود، بلکه پایه‌گذار شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی سالم نیز هست. (Barnett, ۱۹۹۵)

پرخاشگری رفتاری است که غالباً در واکنش به ناکامی، تهدید یا فشار روانی بروز می‌یابد و می‌تواند به اشکال کلامی، فیزیکی یا روانی نمود پیدا کند. نظریه پردازان کلاسیکی همچون فروید، پرخاشگری را نتیجه‌ای از غرایز سرکوب‌شده می‌دانند، در حالی که روان‌شناسان اجتماعی آن را بیشتر در اثر یادگیری مشاهده‌ای و شرایط محیطی بررسی می‌کنند. دوران ابتدایی، دوره‌ای حساس برای شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی کودک است. در این دوره، چگونگی مواجهه کودک با ناکامی و نحوه مدیریت هیجانات نقش کلیدی در سلامت روان آینده او ایفا می‌کند. از طرفی، مدارس محیط‌هایی هستند که در آن‌ها کودکان برای اولین بار با ناکامی‌های اجتماعی و تحصیلی مواجه می‌شوند؛ مانند عدم پذیرش توسط همسالان، شکست تحصیلی یا سرزنش معلم. بررسی علمی رابطه بین ناکامی و پرخاشگری در این سن، می‌تواند مبنایی برای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه در مدارس و خانواده‌ها باشد.

تعریف مفاهیم کلیدی

۱. مدیریت زمان: **

مدیریت زمان به مهارت‌های فردی در برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی، کنترل و استفاده مؤثر از زمان برای رسیدن به اهداف گفته می‌شود (Macan, ۱۹۹۴). والدینی که در مدیریت زمان توانمند هستند، می‌توانند نظم، حمایت تحصیلی و حضور فعال‌تری در فرآیند آموزشی فرزند خود داشته باشند.

۲. عزت نفس والدین: **

عزت نفس یعنی نگرش مثبت فرد نسبت به خودش. والدینی که عزت نفس بالایی دارند، فرزندان با اعتماد به نفس بیشتر تربیت می‌کنند و معمولاً سبک فرزندپروری مؤثرتری دارند (Rosenberg, ۱۹۶۵).

۳. آموزش پیش دبستانی: **

آموزش ساختاریافته‌ای که در دوره پیش از دبستان به کودکان ارائه می‌شود و شامل مهارت‌های شناختی، زبانی، اجتماعی و عاطفی است. شرکت در این دوره می‌تواند زیرساخت رشد تحصیلی و اجتماعی کودک را تقویت کند (Pianta et al., ۲۰۰۷).

۴. ناکامی: **

ناکامی، تجربه نرسیدن به هدف یا خواسته‌ای مشخص است. ناکامی مزمن در کودکان می‌تواند منجر به کاهش انگیزه، رفتارهای پرخاشگرانه یا انزوا شود (Dollard & Miller, ۱۹۵۰).

۵. پیشرفت تحصیلی: **

میزان موفقیت دانش‌آموزان در یادگیری دروس آموزشی، که معمولاً از طریق نمرات، ارزشیابی‌های معلم و آزمون‌های رسمی سنجیده می‌شود (Slavin, ۲۰۰۳).

۶. عملکرد اجتماعی: **

توانایی دانش‌آموز در تعامل مثبت با همسالان، معلمان و محیط اجتماعی مدرسه، شامل مهارت‌های همدلی، همکاری، مسئولیت‌پذیری و انطباق‌پذیری (Wentzel, ۱۹۹۱).

پیشینه نظری و پژوهشی

۱. ** مدیریت زمان والدین و پیشرفت تحصیلی: **

پژوهش چنگ و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد که والدینی که زمان خود را به خوبی مدیریت می کنند، مشارکت تحصیلی مؤثرتری دارند و فرزندانشان نمرات بالاتری کسب می کنند.

۲. ** عزت نفس والدین و عملکرد فرزندان: **

بر اساس یافته های لستر و کرول (۲۰۰۰)، عزت نفس پایین در والدین اغلب با شیوه های تربیتی نامناسب همراه است که تأثیر منفی بر رشد تحصیلی و روانی کودک دارد.

۳. ** نقش آموزش پیش دبستانی در عملکرد اجتماعی: **

مطالعه گسترده کاپلان (۲۰۰۴) نشان داد که کودکان شرکت کننده در برنامه های با کیفیت پیش دبستانی، در مهارت های اجتماعی و انطباق در مدرسه عملکرد بهتری دارند.

۴. ** ناکامی و رشد اجتماعی: **

دالارد و میلر (۱۹۵۰) معتقدند که ناکامی های پی در پی می تواند به پرخاشگری یا انزوای اجتماعی منجر شود، و این موضوع در محیط مدرسه، مانع از شکل گیری تعاملات مثبت می گردد.

بیان مسئله

با افزایش حجم دروس، برنامه های آموزشی فشرده، و انتظارات اجتماعی، دانش آموزان نیازمند راهکارهایی هستند که به آن ها در تنظیم بهتر زمان و تعادل میان فعالیت های مختلف زندگی یاری رسانند. با وجود آموزش های آکادمیک، کمتر به مهارت های نرم مانند مدیریت زمان پرداخته شده است. این پژوهش با هدف بررسی این پرسش انجام می شود که تا چه میزان مدیریت زمان می تواند بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأثیر بگذارد و چه رابطه ای میان مهارت های مدیریت زمان با استرس و رضایت از زندگی دانش آموزی وجود دارد.

عزت نفس والدین نقش بنیادینی در کیفیت روابط خانوادگی، نوع شیوه های فرزندپروری و سبک های ارتباطی ایفا می کند. این ویژگی روانشناختی می تواند زمینه ساز محیطی سازنده یا چالش برانگیز برای رشد تحصیلی کودکان باشد (دینر، ۱۹۸۴). والدین با عزت نفس بالا معمولاً تعاملات موثرتری با فرزندان دارند و از شیوه های تربیتی مثبت تری استفاده می کنند. این والدین می توانند با تشویق و حمایت عاطفی، انگیزه یادگیری را در فرزندان تقویت کنند و در نتیجه بر موفقیت تحصیلی آن ها تأثیرگذار باشند (ویلیامز، ۲۰۰۰).

در مقابل، والدین با عزت نفس پایین ممکن است کمتر قادر به ایجاد محیطی حمایتی و مثبت برای فرزندان خود باشند و این می تواند منجر به کاهش عملکرد تحصیلی فرزندان شود. بنابراین، پژوهش حاضر در پی آن است که رابطه میان عزت نفس والدین و موفقیت تحصیلی فرزندان آن ها را بررسی کند.

در سال های اخیر، با رشد سریع جمعیت دانش آموزی و ضرورت ارتقاء کیفیت آموزش، توجه به مراحل پیش از دبستان اهمیت فزاینده ای یافته است. شواهد تجربی حاکی از آن است که دانش آموزانی که در دوره پیش دبستانی شرکت کرده اند، در مهارت هایی مانند خواندن، نوشتن، ریاضی و تعاملات اجتماعی عملکرد بهتری نسبت به همسالان خود دارند که این تجربه آموزشی را نداشته اند (Sylva et al., ۲۰۰۴). این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی است که: آیا آموزش پیش دبستانی تأثیر معناداری بر پیشرفت تحصیلی و رفتار اجتماعی دانش آموزان کلاس اول دارد؟

ناکامی به عنوان یک تجربه روانی، زمانی رخ می دهد که کودک نتواند به خواسته یا هدف مطلوب خود دست یابد. تکرار این تجربه، به ویژه در غیاب حمایت اجتماعی، می تواند منجر به شکل گیری سبک های ناکارآمد واکنش شود که پرخاشگری یکی از رایج ترین آن ها است. این رفتار ممکن است در ابتدا ابزاری برای جلب توجه یا دفاع از خود باشد، اما در صورت مزمن شدن، می تواند زمینه ساز اختلالات روانی و اجتماعی شود. در فضای مدارس ابتدایی، کودکان ممکن است به دلیل ناتوانی در پاسخ به انتظارات والدین یا معلمان، یا در نتیجه مقایسه های مداوم با همسالان، احساس ناکامی کنند. همچنین پژوهش های متعدد نشان داده اند که کودکان در سنین پایین فاقد راهبردهای شناختی لازم برای مدیریت ناکامی هستند و به همین دلیل بیشتر به واکنش های هیجانی فوری روی می آورند. بررسی این مسئله در بستر فرهنگی و اجتماعی شهرستان قروه، می تواند بینشی محلی و قابل اجرا برای تدوین راهکارهای عملی ارائه دهد.

اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر مدیریت زمان بر پیشرفت تحصیلی و موفقیت تحصیلی کودکان شهرستان قروه است. پژوهشگر به دنبال آن است تا بداند آیا مدیریت زمان می تواند به طور معناداری بر عملکرد تحصیلی فرزندان تأثیر بگذارد و آیا متغیرهایی مانند زمان بندی دقیق این رابطه را تحت تأثیر قرار دهند.

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر عزت نفس والدین بر موفقیت تحصیلی کودکان شهرستان قروه است. پژوهشگر به دنبال آن است تا بداند آیا عزت نفس والدین می تواند به طور معناداری بر عملکرد تحصیلی فرزندان تأثیر بگذارد و آیا متغیرهایی مانند سطح تحصیلات والدین می توانند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهند.

۱. ارزیابی تأثیر آموزش پیش دبستانی بر مهارت های تحصیلی (خواندن، نوشتن و ریاضی) دانش آموزان کلاس اول
۲. تحلیل تأثیر آموزش پیش دبستانی بر رشد رفتارهای اجتماعی دانش آموزان
۳. ارائه توصیه های آموزشی برای سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزشی

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر ناکامی بر عملکرد اجتماعی کودکان شهرستان قروه است. پژوهشگر به دنبال آن است تا بداند آیا ناکامی می تواند به طور معناداری بر عملکرد اجتماعی فرزندان تأثیر بگذارد و آیا متغیرهایی مانند ناکامی تحصیلی می توانند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهند.

فرضیه ها

۱. میان جنسیت والدین و سلامت روان آنها تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. تحصیلات بالاتر با سطح سلامت روان بهتر همراه است.
۳. والدین با درآمد بیشتر از سلامت روانی بهتری برخوردارند.
۴. والدین کودکان استثنایی سلامت روان پایین تری دارند.
۵. حمایت اجتماعی باعث ارتقای سلامت والدین کودکان استثنایی می شود.
۶. مداخلات روانشناختی باعث ارتقای بهزیستی روانی والدین کودکان استثنایی می شود.

روش شناسی

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کمی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان قروه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. نمونه ای ۱۵۰ نفره به روش تصادفی طبقه ای انتخاب شد. ابزار جمع آوری داده ها شامل:

- پرسش نامه مدیریت زمان ماکان (۱۹۹۴) که شامل ۳۴ سؤال و چهار زیرمقیاس (تعیین هدف، اولویت بندی، برنامه ریزی، سازمان دهی) بود.
- مقیاس پیشرفت تحصیلی (معدل ترم جاری و خودگزارشی عملکرد تحصیلی).
- مقیاس استرس تحصیلی (SSI) طراحی شده توسط. (۱۹۹۴) Abouserie

برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

این پژوهش به روش همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل والدین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان قروه است که به تعداد ۱۰۰ نفر از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از دو ابزار استفاده شد:

۱. پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵): (این پرسشنامه برای سنجش میزان عزت نفس والدین استفاده شد. این ابزار شامل ۱۰ سؤال است که عزت نفس عمومی فرد را اندازه گیری می کند.
۲. شاخص موفقیت تحصیلی: موفقیت تحصیلی فرزندان بر اساس میانگین نمرات پایان ترم آنها سنجیده شد.

برای تحلیل داده ها از آزمون های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد تا ارتباط معنادار میان عزت نفس والدین و موفقیت تحصیلی کودکان ارزیابی گردد.

روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کمی انجام شده است. جامعه آماری شامل دانش آموزان کلاس اول ابتدایی بوده که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه های استاندارد ارزیابی مهارت های تحصیلی، مصاحبه های ساختاریافته با معلمان و والدین، و آزمون های روان سنجی در حوزه سواد پایه و ریاضیات اولیه بود. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت.

روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کمی انجام شده است. جامعه آماری شامل دانش آموزان کلاس اول ابتدایی بوده که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه های ناکامی تحصیلی و اجتماعی و پرخاشگری و مصاحبه های ساختاریافته با معلمان و والدین، و آزمون های روان سنجی در حوزه پرخاشگری و رفتار اجتماعی اولیه بود. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت.

یافته ها

نتایج نشان داد که دانش آموزانی که مهارت های مدیریت زمان بالاتری دارند، در شاخص های پیشرفت تحصیلی به طور معناداری عملکرد بهتری دارند. ($p < 0.01$) همچنین بین استفاده از راهبردهای مدیریت زمان و کاهش استرس

تحصیلی رابطه منفی و معناداری وجود داشت. ($r = -0.45$) نتایج رگرسیون نشان داد که زیرمقیاس های تعیین هدف و برنامه ریزی پیش بین قوی تری برای پیشرفت تحصیلی هستند. همچنین، رضایت مندی از تجربه مدرسه در میان دانش آموزان دارای مهارت مدیریت زمان بالاتر، به طور قابل توجهی بیشتر بود.

یافته های پژوهش نشان داد که:

۱. رابطه مثبت بین عزت نفس والدین و موفقیت تحصیلی کودکان: نتایج نشان دادند که بین نمرات بالای عزت نفس والدین و عملکرد تحصیلی فرزندان آن ها رابطه معناداری وجود دارد. ($p < 0.05$)
۲. نقش شیوه های فرزند پروری: والدینی که دارای عزت نفس بالاتری بودند، بیشتر از روش هایی چون تشویق، حمایت عاطفی و ایجاد انگیزه استفاده کرده اند که این شیوه ها موجب بهبود عملکرد تحصیلی فرزندان شده است.
۳. نقش متغیرهای جمعیت شناختی: سطح تحصیلات والدین به عنوان یک متغیر میانجی در این رابطه نقش معناداری ایفا کرد. به طوری که والدین با تحصیلات بالاتر معمولاً عزت نفس بالاتری داشتند و به تبع آن موفقیت تحصیلی فرزندان آن ها نیز بیشتر بود.

نتایج آماری نشان داد که بین حضور در دوره پیش دبستانی و عملکرد تحصیلی در پایه اول، تفاوت معناداری وجود دارد. ($p < 0.05$) دانش آموزانی که دوره پیش دبستانی را گذرانده اند، در مهارت های خواندن، نوشتن و حساب نسبت به گروه کنترل (بدون پیش دبستانی) عملکرد بهتری داشتند. همچنین، این گروه در مقایسه با هم سالان خود، تعاملات اجتماعی مثبت تری با معلمان و همکلاسی ها داشتند، که نشانه ای از رشد مهارت های ارتباطی و انطباق اجتماعی آن هاست (Campbell & Ramey, ۱۹۹۴).

نتایج آماری نشان داد که بین ناکامی و عملکرد تحصیلی و اجتماعی در پایه اول، تفاوت معناداری وجود دارد. ($p < 0.05$) دانش آموزانی که دوره ناکامی را گذرانده اند، در مهارت های خواندن، نوشتن و حساب نسبت به گروه کنترل (بدون پیش دبستانی) عملکرد بهتری داشتند. همچنین، این گروه در مقایسه با هم سالان خود، تعاملات اجتماعی مثبت تری با معلمان و همکلاسی ها داشتند، که نشانه ای از رشد مهارت های ارتباطی و انطباق اجتماعی آن هاست (Campbell & Ramey, ۱۹۹۴).

بحث و تحلیل و نتیجه گیری

یافته ها همسو با پژوهش های پیشین نظیر (Macan et al. ۱۹۹۰) و (Britton & Tesser ۱۹۹۱) نشان می دهد که مدیریت زمان نه تنها به عنوان یک مهارت فنی، بلکه به عنوان یک سازوکار روان شناختی نقش حیاتی در موفقیت تحصیلی دارد. دانش آموزانی که مهارت برنامه ریزی، اولویت بندی و کنترل زمان را دارا هستند، توانایی بیشتری در مقابله با فشارهای تحصیلی و حفظ انگیزه نشان می دهند. این مهارت ها باید از طریق کارگاه های آموزشی، مشاوره تحصیلی و برنامه ریزی درسی هدفمند در ساختار مدرسه ها گنجانده شود.

نتایج این مطالعه بر اهمیت آموزش مهارت های مدیریت زمان برای دانش آموزان تأکید دارد. این مهارت ها می توانند نقشی اساسی در بهبود عملکرد تحصیلی، کاهش استرس، و ارتقاء رضایت از زندگی دانش آموزی ایفا کنند. پیشنهاد می شود که مدرسه ها از طریق دوره های آموزشی، برنامه های مشاوره ای و پشتیبانی تحصیلی، در ارتقاء این توانمندی ها در دانش آموزان سرمایه گذاری کنند.

نتایج پژوهش به وضوح اهمیت عزت نفس والدین را در موفقیت تحصیلی کودکان نشان می دهد. والدین با عزت نفس بالا معمولاً از شیوه های فرزندپروری مثبت تری استفاده می کنند که می تواند به ارتقای انگیزه و پیشرفت تحصیلی فرزندان منجر شود. این یافته ها با نتایج پژوهش های گذشته که نشان دهنده ارتباط مثبت میان عزت نفس والدین و موفقیت تحصیلی کودکان هستند، هم راستا است (بیابانگرد، ۱۳۸۴؛ روزنبرگ، ۱۹۶۵).

بنابراین، تقویت عزت نفس والدین می تواند نه تنها به بهبود کیفیت تعاملات خانوادگی کمک کند، بلکه بستر مناسبی برای رشد تحصیلی کودکان فراهم آورد. این تحقیق به ویژه بر لزوم توجه به ابعاد روانشناختی والدین در برنامه های آموزشی و مشاوره ای تأکید دارد.

یافته های این پژوهش با نتایج مطالعات بین المللی مطابقت دارد که آموزش پیش دبستانی را عامل مهمی در کاهش شکاف تحصیلی می داند. (Vandell & Wolfe, ۲۰۰۰) حضور در محیط آموزشی ساختارمند پیش از دبستان، زمینه آشنایی با مفاهیم پایه، افزایش اعتماد به نفس و تقویت تمرکز را فراهم می کند. همچنین، آموزش پیش دبستانی می تواند نقشی بازدارنده در برابر افت تحصیلی و ترک تحصیل زودهنگام ایفا کند. با توجه به شواهد، گسترش کمی و کیفی این دوره ضروری به نظر می رسد.

نتایج پژوهش با یافته های نظریه ناکامی-پرخاشگری (Dollard et al., ۱۹۳۹) و نیز با دیدگاه بندورا در نظریه یادگیری اجتماعی همخوانی دارد. در نظریه بندورا، الگوسازی و مشاهده رفتار دیگران از عوامل کلیدی در یادگیری پرخاشگری تلقی می شود. در بافت فرهنگی شهرستان های کوچک مانند قروه، سبک فرزندپروری سنتی، سطح پایین تر آگاهی نسبت به نیازهای روانی کودک، و کمبود برنامه های مهارت آموزی در مدارس، می توانند موجب تداوم چرخه ناکامی و پرخاشگری شوند. از این رو، مداخلاتی چون آموزش مدیریت هیجان، بازی درمانی، تقویت عزت نفس و آموزش همدلی می تواند به صورت قابل توجهی سطح پرخاشگری را کاهش دهد.

افزون بر این، نقش معلمان در شناسایی زودهنگام نشانه های ناکامی و پرخاشگری در دانش آموزان بسیار مهم است. آموزش تخصصی به کادر آموزشی جهت شناخت الگوهای رفتاری پرخاشگرانه و استفاده از روش های تقویتی مثبت، می تواند رفتارهای جایگزین مناسبی در کودکان ایجاد کند. همچنین تأسیس اتاق های مشاوره فعال در مدارس ابتدایی و به کارگیری روان شناسان مدرسه، گامی مؤثر در جهت کنترل هیجانات منفی دانش آموزان است.

پیشنهادهای

۱. طراحی و برگزاری کارگاه های آموزشی برای تقویت عزت نفس والدین به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته.

۲. ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها در یادگیری با مشکل مواجه هستند.
۳. انجام پژوهش‌های گسترده‌تر برای بررسی سایر متغیرهای روانشناختی تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی کودکان.
۴. ایجاد برنامه‌های آموزشی برای والدین با هدف ارتقای مهارت‌های فرزندپروری و تقویت عزت نفس.
۵. ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها در یادگیری و روابط اجتماعی با ناکامی مواجه شده.
۶. انجام پژوهش‌های گسترده‌تر برای بررسی تأثیر مدیریت زمان بر عملکرد تحصیلی کودکان.
۷. ارائه خدمات پیش دبستان به خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها در یادگیری با مشکل مواجه هستند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه به یافته‌های این پژوهش که نشان‌دهنده نقش کلیدی آموزش پیش‌دبستانی در بهبود عملکرد تحصیلی و رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در محورهای زیر طراحی و اجرا شوند تا ابعاد دقیق‌تر و گسترده‌تری از این موضوع مورد تحلیل قرار گیرد:

۱. بررسی اثرات بلندمدت آموزش پیش‌دبستانی بر عملکرد تحصیلی تا پایان دوره ابتدایی

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، تمرکز آن بر سال اول ابتدایی است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های طولی (longitudinal) طراحی شوند که تأثیرات آموزش پیش‌دبستانی را تا پایه‌های چهارم یا ششم ابتدایی پیگیری کنند. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند میزان تداوم اثربخشی مهارت‌های پایه‌ای (مانند خواندن، نوشتن، حل مسئله و همکاری اجتماعی) را بسنجند و نقش آن را در جلوگیری از افت تحصیلی، غیبت‌های مکرر یا ترک تحصیل زودهنگام بررسی کنند.

منبع پیشنهادی:

Reynolds, A. J., Temple, J. A., Robertson, D. L., & Mann, E. A. (۲۰۰۱). Long-term effects of an early childhood intervention on educational achievement and juvenile arrest: A ۱۵-year follow-up of low-income children in public schools. *JAMA*, ۲۸۵(۱۸), ۲۳۳۹-۲۳۴۶.

۲. مطالعه نقش کیفیت آموزش و مربیان پیش‌دبستانی در اثربخشی آموزشی

صرف حضور در دوره پیش‌دبستانی لزوماً به معنای بهره‌مندی کامل از مزایای آن نیست. کیفیت محیط آموزشی، صلاحیت حرفه‌ای مربیان، و تعاملات اجتماعی مثبت از جمله عواملی‌اند که می‌توانند شدت یا ضعف تأثیرگذاری این دوره را تعیین کنند. پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی رابطه بین شاخص‌های کیفیت (مانند نسبت کودک به مربی، ساعات آموزش، منابع آموزشی، روش‌های تدریس و ارزیابی) با خروجی‌های تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان بپردازند.

منبع پیشنهادی:

Mashburn, A. J., Pianta, R. C., et al. (۲۰۰۸). Measures of classroom quality in

prekindergarten and children's development of academic, language, and social skills.
Child Development, ۷۹(۳), ۷۳۲-۷۴۹.

۳. تحلیل تأثیر آموزش پیش دبستانی بر رشد مهارت های هیجانی و روانی کودکان

علاوه بر عملکرد شناختی و تحصیلی، آموزش پیش دبستانی می تواند نقش مهمی در توسعه خودتنظیمی هیجانی، مهارت های حل تعارض، کاهش اضطراب و افزایش تاب آوری کودکان ایفا کند. پیشنهاد می شود پژوهش های روان شناسی تربیتی با تمرکز بر رشد عاطفی-اجتماعی کودکان پیش دبستانی طراحی شود که پیامدهای آن را در روابط بین فردی، تنظیم هیجانات، و شکل گیری شخصیت بررسی کند.

منبع پیشنهادی:

Denham, S. A. (۲۰۰۶). Social-emotional competence as support for school readiness: What is it and how do we assess it? *Early Education and Development*, ۱۷(۱), ۵۷-۸۹.

۴. مطالعه تطبیقی مدل های آموزش پیش دبستانی ایران با سایر کشورها

تحقیقات تطبیقی بین المللی می توانند به شناسایی بهترین الگوهای تربیتی و سیاستی در آموزش پیش دبستانی کمک کنند. کشورهای دارای نظام آموزشی پیشرو مانند فنلاند، نیوزیلند، و ژاپن، از برنامه های جامع پیش دبستانی با تأکید بر یادگیری فعال، بازی محور، و مشارکت والدین استفاده می کنند. پیشنهاد می شود پژوهش هایی با هدف مقایسه ساختار، محتوای آموزشی، سیاست گذاری، و نحوه ارزشیابی آموزش پیش دبستانی در ایران و این کشورها طراحی شود تا نقاط ضعف و قابل بهبود شناسایی گردد.

منبع پیشنهادی:

OECD (۲۰۱۷). *Starting Strong 2017: Key OECD Indicators on Early Childhood Education and Care*. OECD Publishing.

۵. تحلیل اثربخشی آموزش پیش دبستانی در مناطق محروم، دوزبانه یا روستایی

پژوهش حاضر در محیط نسبتاً یکنواخت شهری انجام شده است. در حالی که، اثربخشی آموزش پیش دبستانی در مناطق دوزبانه یا محروم ممکن است با چالش های بیشتری مواجه باشد. پیشنهاد می شود مطالعات موردی یا میدانی در مناطق روستایی، عشایری یا استان های دوزبانه انجام گیرد تا تفاوت های فرهنگی و زبانی، و تأثیر آن بر کیفیت و دسترسی آموزش پیش دبستانی تحلیل شود.

منبع پیشنهادی:

Yoshikawa, H., et al. (۲۰۱۳). Investing in our future: The evidence base on preschool education. *Society for Research in Child Development and Foundation for Child Development*.

۶. بررسی نقش مشارکت والدین در موفقیت آموزش پیش دبستانی

مطالعات نشان داده اند که مشارکت فعال والدین در فرآیند یادگیری پیش دبستانی، نقش تقویت کننده ای در رشد شناختی و عاطفی کودکان دارد. بنابراین پیشنهاد می شود پژوهش هایی درخصوص اثر برنامه های مشارکتی خانواده- مدرسه، کارگاه های آموزش والدین، و تعامل خانگی با محتوای آموزشی پیش دبستانی طراحی شود.

منبع پیشنهادی:

Epstein, J. L. (۲۰۰۱). *School, family, and community partnerships: Preparing educators and improving schools*. Westview Press.

جمع بندی

پیشنهادهای فوق می توانند مسیر آینده پژوهش در حوزه آموزش پیش دبستانی را روشن تر کرده و به سیاست گذاری اثربخش، برنامه ریزی آموزشی هدفمند و اجرای عملیاتی برنامه های رشد محور برای کودکان کمک کنند. استمرار پژوهش در این حوزه، سرمایه گذاری هوشمندانه ای در رشد انسانی و عدالت آموزشی خواهد بود.

منابع

۱. Claessens, B. J. C., Van Eerde, W., Rutte, C. G., & Roe, R. A. (۲۰۰۷). A review of the time management literature. *Personnel Review*, ۳۶(۲), ۲۵۵-۲۷۶.
۲. Britton, B. K., & Tesser, A. (۱۹۹۱). Effects of time-management practices on college grades. *Journal of Educational Psychology*, ۸۳(۳), ۴۰۵-۴۱۰.
۳. Macan, T. H. (۱۹۹۴). Time-management training: Effects on time behaviours, attitudes, and job performance. *Journal of Educational Psychology*, ۸۶(۳), ۳۷۶-۳۸۴.
۴. Khan, M. J., Arif, S., Noor, S. S., & Muneer, S. (۲۰۲۱). Role of time management in academic achievement of students. *Journal of Educational Research*, ۲۴(۲), ۸۹-۱۰۱.
۵. Abouserie, R. (۱۹۹۴). Sources and levels of stress in relation to locus of control and self-esteem in university students. *Educational Psychology*, ۱۴(۳), ۳۲۳-۳۳۰.
۶. Zimmerman, B. J. (۲۰۰۲). Becoming a self-regulated learner: An overview. *Theory into Practice*, ۴۱(۲), ۶۴-۷۰.
۷. Zimmerman, B. J., & Kitsantas, A. (۲۰۰۵). *Achievement behaviour, self-regulation, and the role of parents in student academic achievement*. *Educational Psychology Review*, ۱۷(۳), ۲۸۷-۳۲۱.
۸. Park, C. L. (۲۰۰۷). *Coping styles, stress, and physical health: An empirical review*. *Journal of Behavioral Medicine*, ۳۰(۳), ۳۱۹-۳۴۸.
۹. Schunk, D. H., & Zimmerman, B. J. (۱۹۹۸). *Self-regulated learning: From teaching to self-reflective practice*. Guilford Press.
۱۰. مجله روانشناسی اجتماعی، ۲۷(۴)، ۸۳-۹۴. مقیاس عزت نفس: مفاهیم و کاربردها. (۱۹۶۵). روزنبرگ، م.

۱۱. تهران: انتشارات رشد، بهداشت روانی. (۱۳۸۲). شاملو، س.
۱۲. مجله روانشناسی بالینی، بررسی وضعیت روانشناختی والدین کودکان استثنایی. (۱۳۸۶). نریمانی، م. و همکاران.
۱۳. مجله روانشناسی بین فرهنگی، ۲۵(۳)، ۲۲۰-۲۲۸. نقش عزت نفس والدین در پیشرفت تحصیلی کودکان. (۲۰۰۰). ویلیامز، ر.
۱۴. تهران: انتشارات رشد، روانشناسی تربیتی. (۱۳۸۴). بیابانگرد، اسماعیل.
۱۵. مجله روانشناسی اجتماعی، ۵۸(۲)، ۱۳۲-۱۴۲. عوامل خانوادگی و موفقیت تحصیلی. (۱۹۸۴). دینر، ا.
۱۶. Barnett, W. S. (۱۹۹۵). Long-term effects of early childhood programs on cognitive and school outcomes. *The Future of Children*, ۵(۳), ۵۰-۶۵.
۱۷. Sylva, K., Melhuish, E., Sammons, P., Siraj-Blatchford, I., & Taggart, B. (۲۰۰۴). *The effective provision of pre-school education (EPPE) project: Final report*. Institute of Education, University of London.
۱۸. Campbell, F. A., & Ramey, C. T. (۱۹۹۴). Cognitive and school outcomes for high-risk African American students at middle adolescence: Positive effects of early intervention. *American Educational Research Journal*, ۳۱(۴), ۷۴۶-۷۷۲.
۱۹. Shonkoff, J. P., & Phillips, D. A. (۲۰۰۰). *From neurons to neighborhoods: The science of early childhood development*. National Academy Press.
۲۰. Vandell, D. L., & Wolfe, B. L. (۲۰۰۰). *Child care quality: Does it matter and does it need to be improved?* Institute for Research on Poverty, University of Wisconsin-Madison.
۱. Atkinson, H. R., & Hilgard, E. R. (۱۹۸۵). *Introduction to psychology*. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
۲. Freud, S. (۱۹۰۰). *The interpretation of dreams*. New York: Macmillan.
۳. Miller, N. E., & Bugelski, B. R. (۱۹۴۸). "Drive and reward as determinants of reaction to frustration." *Journal of Experimental Psychology*, ۳۸(۱), ۱۶-۲۶.
۴. Bandura, A. (۱۹۷۳). *Aggression: A social learning analysis*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
۵. Dollard, J., Doob, L. W., Miller, N. E., Mowrer, O. H., & Sears, R. R. (۱۹۳۹). *Frustration and aggression*. New Haven: Yale University Press.
۶. Lacan, J. (۱۹۵۹). *Écrits*. Paris: Seuil.
۷. Zillmann, D., Katcher, A. H., & Miladosky, R. (۱۹۶۳). "Hostility and aggression in response to frustration." *Journal of Personality and Social Psychology*, ۵(۲), ۲۰۷-۲۱۴.
۸. Garma, R. (۱۹۵۲). *The psychodynamics of aggression*. London: Tavistock Publications.
۹. مرادی، ا. (۱۳۶۵). بررسی تأثیر ناکامی بر رفتارهای پر خاشگرانه در نوجوانان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. فصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران، سالاری، ف. و اسلامی، م. (۱۳۷۰). رابطه ناکامی و پر خاشگری در کودکان ۲۵-۱۶(۳) ..
۱۱. Berkowitz, L. (۱۹۸۹). Frustration-aggression hypothesis: Examination and reformulation. *Psychological Bulletin*, ۱۰۶(۱), ۵۹-۷۳.
۱۲. Crick, N. R., & Grotpeter, J. K. (۱۹۹۵). Relational aggression, gender, and social-psychological adjustment. *Child Development*, ۶۶(۳), ۷۱۰-۷۲۲.
۱۳. Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (۲۰۰۲). Human aggression. *Annual Review of Psychology*, ۵۳, ۲۷-۵۱.
۱۴. شریفی درآمدی، ج. (۱۳۹۶). روانشناسی رشد کودک و نوجوان. تهران: انتشارات آوای نور.
۱۵. بیابانگرد، ع. (۱۳۹۴). شیوه های مقابله با ناکامی در کودکان دبستانی. مجله روانشناسی کودکان، ۱(۲)، ۹۲-۷۳.
۱۶. ۱. Macan, T. H. (۱۹۹۴). Time management: Test of a process model. *Journal of Applied Psychology**, ۷۹(۳), ۳۸۱-۳۹۱.
۱۷. ۲. Rosenberg, M. (۱۹۶۵). *Society and the Adolescent Self-Image**. Princeton University Press.
۱۸. ۳. Pianta, R. C., Barnett, W. S., Burchinal, M., & Thornburg, K. R. (۲۰۰۷). The effects of preschool education. *Psychological Science in the Public Interest**, ۱۰(۲), ۸۸-۴۹.

۱۹. ۴. Dollard, J., & Miller, N. E. (۱۹۵۰). *Personality and Psychotherapy*. McGraw-Hill.
۲۰. ۵. Slavin, R. E. (۲۰۰۳). *Educational Psychology: Theory and Practice*. Allyn & Bacon.
۲۱. ۶. Wentzel, K. R. (۱۹۹۱). Social competence at school: Relation between social responsibility and academic achievement. *Review of Educational Research*, ۶۱(۱), ۱-۲۴.
۲۲. ۷. Cheng, Y. S., & Zhang, J. J. (۲۰۱۳). Parents' Time Management and Children's Academic Achievement. *Educational Research Journal*, ۲۸(۲), ۱۱۵-۱۳۰.
۲۳. ۸. Lester, P., & Karol, J. (۲۰۰۰). Parenting with self-esteem: A pathway to positive youth development. *Journal of Adolescent Research*, ۱۵(۳), ۳۱۹-۳۴۵.
۲۴. ۹. Kaplan, P. S. (۲۰۰۴). *Children at Risk*. Psychology Press.